

## چالش‌های ترجمه در باهم‌آبی‌های قرآنی

(بررسی موردهی: ترکیب‌های وصفی و اضافی)

محمد امیری فر<sup>۱\*</sup>، کبری روش‌نفر<sup>۲</sup>، خلیل پروینی<sup>۳</sup>، عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا<sup>۴</sup>

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانشیار رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- استاد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴- دانشیار رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۴/۱۱/۲۶ پذیرش: ۹۵/۴/۱۷

### چکیده

باهم‌آبی<sup>۱</sup>، کاربرد معمول دو یا چند واژه در کنار هم، با بسامد بالا و به‌گونه‌ای است که نتوان آن را تصادفی دانست. این پدیده زبانی در دوران معاصر، نظر بسیاری از ترجمه‌پژوهان را به خود جلب کرده و آن‌ها را بر آن داشته است که به رصد ترجمه باهم‌آبی‌ها در متون مختلف بپردازنند.

پژوهش حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی، نخست به استخراج ۵۵ باهم‌آبی وصفی و اضافی در قرآن و ترجمه آن در ده ترجمه معاصر قرآن کریم پرداخته و سپس به تقدیم و تحلیل این ترجمه‌ها همت گماشته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عدم توجه مترجمان قرآن به این پدیده به عنوان یک واحد ترجمه، در موارد بسیاری، ترجمه‌هایی مختلف از یک باهم‌آبی یکسان قرآنی به دنبال داشته است و از طرفی مترجمان از باهم‌آبی‌های مختلف قرآنی، ترجمه‌هایی یکسان ارائه داده‌اند. در پایان، راه حل‌هایی برای این چالش‌ها پیشنهاد شده است که مترجمان از پیش‌معادلهایی برای ترکیبات هم‌آیند قرآنی استفاده نمایند تا براساس آن، ترکیب‌ها در سراسر ترجمه، یکسان‌سازی شود.

واژگان کلیدی: باهم‌آبی، ترجمه قرآن، ترکیب‌های وصفی، ترکیب‌های اضافی

## ۱- مقدمه

از زمانی که ترجمه در میان ملل گوناگون همگانی شد، ترکیبات ناهمآیند به تاثیر از زبان مبدأ، در زبان‌های مختلف فرونی یافت و این یکی از اصلی‌ترین عوامل توجه زبان‌شناسان و مترجمان به موضوع هم‌آیی و همنشینی واژگان شد؛ تا جایی که برخی از پژوهشگران در صدد رصد ورود این ترکیب‌ها به زبان خود شدند و مواردی از آن را شناسایی و معادل‌های آن را معرفی یا تولید کردند.

«ترجمه‌ها عامل اصلی ورود ترکیبات جدید و گاه عجیب و بی‌معنی به زبان‌ها بوده است. از یک سو، انتقال ترکیبات نو از یک زبان به زبان دیگر مایه غنای زبان می‌گردد؛ اما از سوی دیگر وارد ساختن ترکیبات ناهمآیند- به تاثیر از ترکیبات زبان مبدأ- به زبان مقصد، موجب سستی و رکاکت نظام زبانی بهویژه نظام معنایی و بلاغی می‌گردد. بنابراین ترجمه ترکیبات و عبارات بر مبنای نظام همایشی زبان مقصد در اینجا اهمیت ویژه می‌یابد. مترجمان موظف‌اند ترکیبات زبان مبدأ را - چنانچه مطابق نظام همایشی زبان مقصد نباشد- به ترکیب‌های معادل و دارای همایش به زبان مقصد ترجمه کنند» (قلیزاده، ۱۳۷۸: ۲۳۱).

در پژوهش حاضر ضمن معرفی پدیده باهم‌آیی، به سه مسئله اصلی در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی اشاره می‌شود.

نخست: گاهی یک باهم‌آیی یکسان در قرآن کریم، در ترجمه به باهم‌آیی‌های مختلف و گاه مخالف ترجمه می‌شود که به نظر می‌رسد مترجمان قرآن، توجه کافی به این پدیده نداشته‌اند لذا این مشابهات شایع و اساسی قرآن را در ترجمه، نادیده گرفته‌اند.

دوم: گاهی مترجمان، از باهم‌آیی‌های مختلف قرآنی، ترجمه‌ای واحد ارائه می‌دهند و دلالت‌های مختلف و تفاوت‌های ریز و دقیق آنها را نادیده می‌گیرند حال آنکه شایسته و البته باشیسته است مترجم تمام تلاش خود را به کار گیرد تا بار معنایی، عاطفی و حاشیه‌ای یک باهم‌آیی را تا حد امکان در زبان مقصد به تصویر کشد.

سوم: ترجمه تحتاللغظی بعضی از باهم‌آیی‌های است که اصل عربی آن در فارسی رایج و متداول است و ترجمه این هم‌آیندها به صورت تحتاللغظی از شیوه‌ای و رسایی ترجمه کاسته و ترجمه آن گاهی نامفهوم، کرتات و دوپهلو است.  
مهم‌ترین سوالات پژوهش عبارتند از:

- الف) باهم‌آیی، چگونه می‌تواند به بهبود ترجمه‌های فارسی قرآن‌کریم کمک کند؟  
ب) موفق‌ترین مترجمان مورد بررسی در این پژوهش، در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی چه کسانی هستند؟

### ۱-۱- تعریف باهم‌آیی

باهم‌آیی، پدیده‌ای است که در همه زبان‌های دنیا وجود دارد و مختص به یک زبان خاص نیست. در فارسی، دو واژه (فالسد و گندیده) با همه مشابهت معنایی، هم‌آیندهای مختلفی دارند. مثلاً عرف زبانی فارسی مشخص می‌کند که یکی با شیر (شیر فالسد) و دیگری با تخم مرغ (تخم مرغ گندیده) همنشین شود.

جی. آر. فرت<sup>۳</sup>، زبان‌شناس انگلیسی، این اصطلاح را نخستین بار به عنوان نوعی از سیاق در نظریه معنایی خود در سال ۱۹۵۷ به کار برد. «او باهم‌آیی را کاربرد معمول دو یا چند واژه با یک‌دیگر دانست که در زبان از بسامد و قرع بالایی برخوردار است؛ به نحوی که نتوان این همنشینی را تصادفی دانست. فرت به تشخیص واژه از طریق معنی واژه‌های همنشین اعتقاد داشت و بر آن بود که باهم‌آیی واژه‌ها، تنها بخشی از معنی آن را در بر دارد» (پالمر<sup>۴</sup>: ۱۶۱؛ ۱۹۷۱).

لاینز نیز بر این باور بود: «واژه‌ها در حالت انفرادی با حالت ترکیبی، متفاوت‌اند و توصیف معنایی هریک از واژه‌های هم‌آیند، بدون در نظر گرفتن مجموعه واژه‌های همنشین، امکان‌پذیر نیست» (Lyons, 1977: 262-261).

به‌طور کلی می‌توان گفت: باهم‌آیی، پدیده‌ای است که تعریفی مشخص و همگانی برای آن وجود ندارد و زبان‌شناسان تعاریف گوناگونی از این پدیده ارائه کرده‌اند که البته این

تعریف ناشی از نوع نگاه آن‌ها به این پدیده بوده است. تعاریفی مانند: همراهی واژگان، خوش‌های واژگانی، تداعی واژگانی، زبان کلیشه‌ای، رابطه همنشینی و بسیاری از تعریف‌های دیگر. اما آنچه در بین زبان‌شناسان ایرانی پذیرفته شده است، تعریف یاکوبسن است که باهم‌آیی را عناصر واژگانی می‌داند که وقوع آن‌ها همراه هم، از نظر آماری بسامد زیادی دارد و این بسامد وقوع، تا اندازه‌ای است که نمی‌توان آن را تصادفی دانست (Sung, 2003: 17).

بنابراین در یک نگاه می‌توان باهم‌آیی را این‌گونه تعریف کرد: باهم‌آیی، وقوع دو یا چند واژه در کنار هم یا با فاصله کوتاهی درون یک پیکره زیانی است که از بسامد بالایی برخوردار است به‌گونه‌ای که نتوان این وقوع را تصادفی دانست.

پژوهشگران معیارهایی مانند: بسامد، جدایی‌پذیری، قابلیت گسترش، سراحت و یزگی، فاصله و شفافیت را جهت تمایز هم‌آیندها از ترکیبات آزاد، اصطلاحات، و ضرب‌المثل‌ها وضع کرده‌اند. بنابر این معیارها، عباراتی مانند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آَمْنَوْا» که جزو ترکیبات آزاد و عبارت «ضرب كفأً بـكـفٍ» که جزو اصطلاحات به‌شمار می‌رود، باهم‌آیی محسوب نمی‌شوند.

## ۱-۲- روشن تحقیق و جامعه آماری پژوهش

در این پژوهش نخست بیش از ۵۰ باهم‌آیی وصفی و اضافی پربررسی قرآن‌کریم استخراج و سپس از میان ده ترجمه قرآن که روش‌های نسبتاً مختلفی دارند، ترجمه باهم‌آیی‌های مذکور مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

به‌نایار از میان ترجمه‌های مختلف قرآن، باید ابتدا سراغ روش‌های مختلف ترجمه قرآن رفت تا از هر روش، یک یا دو ترجمه معروف و مشهورتر انتخاب شود؛ زیرا با توجه به محور اصلی این پژوهش، انتخاب چند ترجمه از یک روش، به احتمال زیاد، نتایج مشابهی خواهد داشت.

در میان ترجمه‌های قرآن‌کریم، روش‌های مختلفی وجود دارد مانند: ترجمه تحتاللفظی، ترجمه تفسیری، ترجمه وفادار یا امین، ترجمه معنایی و ترجمه آزاد (جواهری، ۱۳۸۹: ۵۰)؛ که از میان روش‌های مختلف، ده ترجمه زیر به عنوان جامعه آماری این پژوهش انتخاب شد.

۱. فولادوند (وفادار)، ۲. مشکینی (تفسیری)، ۳. صفارزاده (آزاد)، ۴. معزی (تحتاللفظی)، ۵. مجتبوی (تحتاللفظی)، ۶. صفوي (تفسیری)، ۷. حدادعادل (وفادار)، ۸. خرمشاهی (معنایی)، ۹. مکارم‌شیرازی (معنایی)، ۱۰. پورجوادی (آزاد).

از دهه ۱۹۵۰ به بعد، تلاش‌های بسیاری برای تعریف، دسته‌بندی و توصیف انواع باهم‌آیی، به ویژه در زبان انگلیسی صورت گرفت. ولی در اکثر قریب به اتفاق این پژوهش‌ها، به این پدیده زبانی، تنها از دیدگاه روابط واژگانی یا برخی روابط دستوری پرداخته شد. بسیاری از پژوهشگران عربی (versteegh, 2006, vol1: 438)، به این پدیده، نگاهی دستوری دارند. ترکیب‌های استنادی، وصفی، اضافی، فعل + حرف جر، صفت + صفت، فعل + ظرف و ... از زمرة این تقسیم‌بندی‌ها به شمار می‌رود.

در این مقاله، از میان باهم‌آیی‌های قرآنی، ساختهایی که بیشتر از چهار بار در قرآن‌کریم در قالب ترکیب وصفی یا اضافی آمده و در ترجمه نیز تا حدودی چالش برانگیز است، انتخاب شده است. به طور کلی ۲۲ ترکیب وصفی و ۳۰ ترکیب اضافی بررسی شده است. در موارد اندکی برای نشان‌دادن تفاوت‌های ریز و دقیق معنایی و بار عاطفی و معانی جنبی این هم‌آیندها، به برخی از باهم‌آیی‌های کمبسامد نیز اشاره شده است.

بدین ترتیب، باهم‌آیی‌های زیر با ذکر بسامد آن در متن عربی قرآن، به عنوان جامعه آماری پژوهش، انتخاب و ترجمه تک‌تک آن‌ها از ده ترجمه فوق الذکر استخراج و تحلیل شده است:

## جدول شماره ۱: باهم‌آبی‌های بررسی شده در این پژوهش

ردیف	باهم‌آبی	نوع ترکیب	بسامد	آدرس
۱	أجل مسمى	وصفي	۲۱	(۲:۲۸۲/۶:۲, ۲, ۶۰/۱۱:۳/۱۳:۲/۱۴:۱۰/۱۶:۶۱/ ۲۰:۱۲۹/۲۲:۵, ۳۳/۲۹:۵۳/۳۱:۲۹/۳۵:۱۳, ۴۵/۳۹:۵, ۴۲/۴۰:۶۷/۴۲:۱۴/۷۱:۴)
۲	الدين القيم / دينًا قيمةً	وصفي	۵	(۸:۳۶/۱۲:۴۰/۳۰:۳۰, ۴۳/۶:۱۶۱)
۳	المسجد الحرام	وصفي	۱۵	(۲۲:۲۵/۲:۱۴۴, ۱۴۹, ۱۵۰, ۱۹۱, ۱۹۶, ۲۱۷/۵:۲/۸:۷, ۱۹, ۲۸, ۳۴/۴۸:۲۵, ۲۷/۱۷:۱)
۴	الصراط المستقيم، صراط مستقيم،	وصفي	۳۳	(۱:۶/۲:۱۴۲, ۲۱۳/۳:۵۱, ۱۰۱/۴:۶۸, ۱۷۵/۵:۱۶ ۶:۳۹, ۸۷, ۱۲۶, ۱۵۳, ۱۶۱/۷:۱۷ ۱۰:۲۵/۱۱:۵۶ ۱۵:۴۱/۱۶:۷۶, ۱۲۱/۱۹:۳۶/۲۰:۱۳۵/۲۲:۵۴/۲۳: ۷۳/۲۴:۴۶/۳۶:۴, ۶۱/۳۷:۱۱۸/۴۲:۵۲/۴۳:۴۳, ۶۱, ۶۴/۴۸:۲, ۲۰/۶۷:۲۲)
۵	اليوم الآخر	وصفي	۲۶	(۲:۸, ۶۲, ۱۲۶, ۱۷۷, ۲۲۸, ۲۳۲, ۲۶۴/۳:۱۱۴/۴:۳۸, ۳۹, ۵۹, ۱۳۶, ۱۶۲/۵:۶۹/۹:۱۸, ۱۹, ۲۹, ۴۴, ۴۵, ۹۹/ ۲۹:۳۶/۳۳:۲۱/۵۸:۲۲/۶۰:۷/۶۵:۲)
۶	يوم الآزفة	اضافي	۱	(۴۰:۱۸)
۷	يوم البعث	اضافي	۲	(۳۰:۵۶, ۵۶)
۸	يوم الخروج	اضافي	۱	(۵۰:۴۲)
۹	يوم الخلود	اضافي	۱	(۵۰:۳۴)
۱۰	يوم الدين	اضافي	۱۳	(۱:۴/۲۶:۸۲/۳۷:۲۰/۳۸:۷۸/۷۰:۲۶/۷۴:۴۶/۸۲: ۱۵, ۱۷, ۱۸/۸۳:۱۱/۵۱:۲/۵۶:۵۶/۱۰:۳۵)
۱۱	يوم التغابن	اضافي	۱	(۶۴:۹)
۱۲	يوم الفتح	اضافي	۱	(۳۲:۲۹)
۱۳	يوم الفصل	اضافي	۶	(۷۷:۱۳, ۱۴, ۳۸/۷۸:۱۷/۴۴:۴۰/۳۷:۲۱)
۱۴	يوم القيامة	اضافي	۷۰	(۲:۸۵, ۱۱۳, ۱۷۴/۳:۷۷, ۱۶۱, ۱۸۰, ۱۸۵, ۱۹۴/۴:۸۷, ۱۰۹, ۱۴۱, ۱۵۹...)
۱۵	يوم التلاق	اضافي	۱	(۴۰:۱۵)
۱۶	يوم التناد	اضافي	۱	(۴۰:۳۲)

چالش‌های ترجمه در باهم‌آیی‌های قرآنی ...  
محمد امیری فرو همکاران

(٥٠: ٢٠)	١	اضافی	يوم العيد	١٧
(٢٢: ٥٥)	١	وصفي	يوم عقيم	١٨
(١٥: ٣٨/ ٣٨: ٨١)	٢	- اضافی وصفي	يوم الوقت المعلوم	١٩
(٢: ١٧٧, ٢١٥/ ٤: ٣٦/ ٨: ٤١, ٦٠/ ١٧: ٢٦/ ٣٠: ٣٨ ٥٩: ٧)	٨	اضافی	ابن السبيل	٢٠
(٤: ٤٠/ ١٠: ٦١/ ٣٤: ٣, ٢٢/ ٩٩: ٧, ٨)	٦	اضافی	مثقال ذرة	٢١
(٢: ١٨٧, ٢٣٠, ٢٢٩/ ٤: ١٣/ ٨: ١١٢/ ٥٨: ٤/ ٦٥: ١/ ٢: ٢٣٠)	١٢	اضافی	حدود الله	٢٢
(٤: ٩٢/ ٥: ٨٩/ ٥٨: ٣)	٥	اضافی	تحرير رقة	٢٣
(٥٦: ٩٥/ ٦٩: ٥١)	٢	اضافی	حق اليقين	٢٤
(١٠٢: ٥)	١	اضافی	علم اليقين	٢٥
(١٠٢: ٧)	١	اضافی	عين اليقين	٢٦
(٢: ١٦٨, ٢٠٨/ ٦: ١٤٢/ ٢٤: ٢١)	٥	اضافی	خطوات الشيطان	٢٧
(١٦: ٣٠/ ١٢: ١٠٩)	٢	اضافی	دار الآخرة	٢٨
(٢: ٩٤/ ٦: ٣٢/ ٧: ١٦٩/ ٢٨: ٧٧, ٨٣/ ٢٩: ٦٤/ ٣٣: ٢٩)	٧	وصفي	الدار الآخرة	٢٩
(٢: ٨٧, ٢٥٣/ ٥: ١١٠/ ١٦: ١٠٢)	٤	اضافی	روح القدس	٣٠
(٢: ١٥٤, ١٩٠, ١٩٥, ٢١٧, ٢١٨, ٢٤٤, ٢٤١, ٢٦١, ٢٦٢, ٢٧٣/ ٣: ١٣, ٩٩, ١٤٦, ١٥٧, ١٦٧, ١٦٩/ ٤: ٧٤, ٧٥,...)	٦٥	اضافی	سبيل الله	٣١
(٢: ١٥٨/ ٥: ٢/ ٢٢: ٣٢, ٣٦)	٤	اضافی	شعائر الله	٣٢
(٢٦: ١٧٦/ ٣٨: ١٣/ ٥٠: ١٤/ ١٥: ٧٨)	٤	اضافی	أصحاب الأيكة	٣٣
(٢: ١١٩/ ٥: ١٠, ٨٧/ ٩: ١١٣/ ٢٢: ٥١/ ٥٧: ١٩)	٦	اضافی	أصحاب الجحيم	٣٤
(٢: ٨٢/ ٧: ٤٢, ٤٤, ٤٦, ٥٠/ ١٠: ٢٧/ ١١: ٢٣/ ٢٥: ٢٤/ ٣٦: ٥٥/ ٤٦: ١٤, ١٦/ ٥٩: ٢٠/ ٦٨: ١٧)	١٤	اضافی	أصحاب الجنة	٣٥
(٢: ٣٩, ٨١, ٢١٧, ٢٥٧, ٢٧٥/ ٣: ١١٦/ ٥: ٢٩/ ٧: ٣٦, ٤٤, ٤٧, ٥٠/ ١٠: ٢٧/ ١٣: ٥/ ٣٩: ٨/ ٤٠: ٦, ٤٣/ ٥٨: ١٧/ ٥٩: ٢٠/ ٦٤: ١٠/ ٧٤: ٣١)	٢٠	اضافی	أصحاب النار	٣٦
(٥٦: ٢٧, ٢٨, ٣٨, ٩٠, ٩١/ ٧٤: ٣٩)	٦	اضافی	أصحاب اليمين	٣٧
(٢: ١٣٥/ ٣: ٩٥/ ٤: ١٢٥/ ٦: ١٦١/ ١٦: ١٢٣)	٥	- اضافی وصفي	ملة إبراهيم حنيفأً	٣٨

ردیف	عنوان	تصویر	وصفی	إثماً مبيناً	ردیف
۴۰	سلطان میین/سلطاناً مییناً	وصفی	۱۲	(۴:۹۱, ۱۴۴, ۱۵۳/ ۱۱:۹۷ ۱۴:۱۰/ ۲۳:۴۵/ ۲۷:۲۱/ ۳۷:۱۵۷ ۴۰:۲۳/ ۴۴:۹۱/ ۵۱:۳۸/ ۵۲:۳۸)	
۴۱	عدو میین/عدواً مییناً	وصفی	۱۰	(۲:۱۶۸, ۲۰۸/ ۴:۱۰۱/ ۱۷:۵۳/ ۶:۱۴۲/ ۷:۲۲/ ۱۲:۵/ ۲۸:۱۵/ ۳۶:۶۰/ ۴۳:۶۲)	
۴۲	خسران میین	وصفی	۳	(۴: ۱۱۹/ ۲۲: ۱۱/ ۳۹: ۱۰)	
۴۳	نوراً مییناً	وصفی	۳	(۴: ۱۷۴/ ۵: ۱۵/ ۲۴: ۱۲)	
۴۴	ضلال میین	وصفی	۱۸	(۲: ۱۶۴/ ۶:۷۴/ ۷:۸۰/ ۱۲: ۵, ۸, ۳۰/ ۱۹:۳۸/ ۲۶:۹۷/ ۲۸:۸۵/ ۳۱:۱۱/ ۳۴:۲۴/ ۳۶:۲۴, ۴۷/ ۳۹:۲۲/ ۴۳:۴۰/ ۴۶:۳۲/ ۶۱:۲/ ۶۷:۱۶)	
۴۵	کتاب میین	وصفی	۷	(۵:۱۰/ ۶:۰۹/ ۱۰:۶۱/ ۱۱:۷/ ۲۷:۱, ۷۵/ ۳:۳۴)	
۴۶	سحر میین	وصفی	۹	(۵:۱۱۰/ ۶:۷/ ۱۰:۷۷/ ۱۱:۷/ ۲۷:۱۳/ ۳۴:۴۳/ ۳۷:۱۵/ ۴۶:۷/ ۶۱:۶)	
۴۷	ذییر میین	وصفی	۱۱	(۷:۱۸۴/ ۱۱:۲۵/ ۲۲:۴۹/ ۲۶:۱۱۵/ ۲۹:۵۰/ ۳۸:۷۰/ ۴۶:۹/ ۵۱:۵۰, ۵۱/ ۶۷:۹/ ۷۱:۲)	
۴۸	قرآن میین	وصفی	۲	(۱۰:۱/ ۳۶:۷۹)	
۴۹	إمام میین	وصفی	۲	(۱۰:۷۹/ ۳۶:۱۲)	
۵۰	خصیم میین	وصفی	۲	(۳۶:۷۷/ ۱۶:۴)	
۵۱	لسان عربی میین	وصفی		(۱۶:۱۰۳/ ۲۶:۱۹۶)	
۵۲	رسول میین	وصفی	۲	(۴۳:۲۹/ ۴۴:۱۳)	
۵۳	أهل القرى	اضافی	۵	(۷: ۹۶, ۹۷, ۹۸/ ۱۲: ۱۰۹/ ۰۹: ۷)	
۵۴	أهل الكتاب	اضافی	۳۱	(۲: ۱۰۵, ۱۰۹/ ۳: ۶۴, ۶۰, ۶۹, ۷۰, ۷۱, ۷۲, ۷۵, ۹۸, ۹۹, ۱۱۰, ۱۱۳, ۱۱۹/ ۴: ۱۲۳, ۱۵۳, ۱۰۹, ۱۷۱/ ۵: ۱۰, ۱۹, ۵۹, ۶۰, ۶۸, ۷۷/ ۲۹: ۴۶/ ۳۳: ۲۶/ ۰۷: ۲۹/ ۰۹: ۲, ۱۱/ ۹۸: ۱, ۶)	
۵۵	الشهر الحرام	وصفی	۵	(۲: ۱۹۴, ۲۱۷/ ۵: ۲, ۹۷)	

### ۱-۳- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در دوران اخیر، به بررسی نقش باهم‌آیی در ترجمه پرداخته‌اند. هرچند بسیاری از این پژوهش‌ها در حوزه ادبیات داستانی بوده است ولی پژوهش‌هایی در حوزه ترجمه قرآن‌کریم نیز صورت گرفته که پس از مشاهده ۲۰ مورد از این پژوهش‌ها، در ادامه به چهار مورد اشاره می‌شود.

۱- روزگار (۱۳۹۰) در پایان نامه خود تحت عنوان «استراتژی‌های به کار رفته در ترجمه باهم‌آیی‌های لغوی قرآن‌کریم» به بررسی استراتژی‌های به کار رفته در ترجمه باهم‌آیی‌های لغوی قرآن‌کریم در هفت ترجمه انگلیسی قرآن پرداخته است. وی پرسامدترین و کم‌پرسامدترین روش در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی، به انگلیسی و استراتژی‌های معقول در ترجمه آن را مورد بررسی قرار داده است.

۲- بوقدح (۲۰۰۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان: «ترجمة المتلازمات اللغوية الى اللغة الفرنسية، الرابع الأول من القرآن الكريم أنمودجاً، دراسة تحليلية نقدية» به بررسی این پدیده زبانی و نقش آن در ترجمه قرآن‌کریم از زبان عربی به فرانسه پرداخته است.

۳- قریشی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «میزان هماهنگی در تکرار برخی از واژگان و ترکیبات هم‌آیند قرآن و ترجمه آن‌ها» به ارزیابی دو ترجمه انگلیسی قرآن‌کریم از آربی و یوسف‌علی می‌پردازند.

نویسنده‌اند در پایان و ضمن بررسی چند مورد محدود از باهم‌آیی‌های قرآنی، به این نتیجه رسیده‌اند که آربی در ترجمه واژگان و ترکیبات هم‌آیند گروه دوم در مقایسه با گروه اول، از تعداد معادله‌ای کمتری استفاده کرده است.

۴- کفash‌رودی (۱۳۹۴) و همکاران در مقاله «خطاهای هم‌آیندها در ترجمه قرآن‌کریم» به تجزیه و تحلیل خطاهای هم‌آیندی از طریق مدل کوردور در چهار ترجمه انگلیسی قرآن‌کریم پرداخته است. آن‌ها خطاهای مذکور را در سه دسته هم‌آیندهای رایج و پذیرفته

شده، ساختارهای نامناسب و عدم استفاده از هم‌آیند، تقسیم‌بندی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از مترجمان، توانایی کمی در استفاده مناسب از هم‌آیند‌ها در زبان انگلیسی دارند و بهترین ترجمه از بین ترجمه‌های مورد بررسی در این پژوهش از لحاظ استفاده از هم‌آیند‌ها، به ایروینگ اختصاص دارد.

در ادامه سعی می‌شود ضمن ارائه یک تقسیم‌بندی از چالش‌های پیش‌روی مترجمان در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی، به سوالات تحقیق پاسخ داده شود.

## ۲- نقش باهم‌آیی در ترجمه فارسی قرآن کریم

### ۲-۱- ترجمه‌های مختلف از باهم‌آیی‌های همسان در قرآن

معادل‌یابی در ترجمه، کاری لازم، دقیق و طاقت فرساست و همسان‌سازی معادل‌های کلمات، کاری دشوارتر، ولی به هر حال، ضروری است؛ چرا که این همسان‌سازی نظم کلمات و آیات و همگونی آن‌ها را در ترجمه منعکس می‌کند و یکی از نقدهایی که معمولاً به ترجمه‌ها زده می‌شود، عدم رعایت این قاعده است. ترجمه یک باهم‌آیی در جای جای متن قرآن به صورت واحد، نشان از دقت مترجم از یک سو و انسجام ترجمه از سوی دیگر است.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که تاکنون مترجمان بدان توجه کافی نکرده‌اند، همین یکسانی و هماهنگی در برگرداندن باهم‌آیی‌های یکسان در قرآن است که مترجم نباید بدون دلیل، باهم‌آیی‌های یکسان در زبان مبدأ را به گونه‌های ناهمسان و چه بسا مخالف در زبان مقصد ترجمه کند و «شایسته آن است که مترجم یا گروه مترجمان، پیش از انشای ترجمه خود، دست کم به مشابهات شایع و اساسی قرآن احاطه یابند تا در هر قدم از کار خود بدانند که نظیر این سیاق یا تعبیر قرآنی را در موارد دیگر چگونه ترجمه کرده‌اند» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۱). خرمشاهی نیز بدین مهم اشاره کرده است که «آیات و عبارات یکسان و مشابه-به شرط آن که معنای همسان یا همانند داشته باشند- الزامی است که همسان و مشابه ترجمه شود» (خرمشاهی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۹۹).

برای نمونه می‌توان به باهم‌آیی «الیوم الآخر» (بسامد: ۲۶) در قرآن اشاره کرد. مکارم‌شیرازی ترجمه‌های «روز رستاخیز» (نه مورد)، «روز قیامت» (شش مورد)، «روز بازپسین» (چهار مورد)، «روز دیگر» (یک مورد: آل عمران / ۱۴)، «روز جزا» (سه مورد)، «روز واپسین» (یک مورد) را از باهم‌آیی «الیوم الآخر» ارائه کرده است. حال آن‌که «امانتداری در ترجمه و تلاش برای ارائه برگردانی که-تا حد ممکن-حداکثر شباهت به قرآن را واجد باشد، اقتضا می‌کند که در ترجمه قرآن، مشابهات قرآن را از جهات مختلف بجوییم و یکسان ترجمه کنیم، چرا که این‌ها در اصل قرآن یکسان‌اند» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵).

در ترجمه‌های مختلفی که مکارم‌شیرازی از «الیوم الآخر» ارائه کرده است، «روز دیگر»، از ترجمه‌های کثتاب است؛ زیرا ترجمه مذکور، ترجمه عبارت «الیوم الآخر» است. ترجمه‌های دیگر نیز که باید یکسان باشد، بسیار مشوش و متغیر است و به جز «روز بازپسین» و «روز واپسین» تقریباً هیچ اشاره‌ای به بار معنایی واژه «الآخر» ندارد.

مترجمان دیگر نیز از این قاعده مستثنی نیستند و فقط خرمشاهی از این باهم‌آیی، ترجمه یکسان «روز بازپسین» را در سراسر قرآن ذکر کرده و حدادعادل نیز به جز یک مورد که در آیه ۲۱ سوره احزاب، عبارت «روز قیامت» را به کار برده است، بقیه موارد را به صورت همسان به «روز بازپسین» ترجمه کرده است. البته خرمشاهی می‌کوشد در ترجمه عبارات یکسان، وحدت را رعایت کند و این یکی از نقاط قوت ترجمه خرمشاهی بهشمار می‌رود.

در میان ترجمه‌های مورد بررسی، ترجمه حدادعادل از نظر برخورد با باهم‌آیی‌ها شباهت بسیاری با ترجمه خرمشاهی دارد. حدادعادل کوشیده است ترجمه‌هایی یکسان از باهم‌آیی‌های تکراری قرآن ارائه دهد که به نظر می‌رسد این امر از روی صدفه و اتفاق نیست؛ بلکه مترجم، این امور را در ترجمه مدنظر داشته است. ولی رنگ و بوی تقييد به زبان فارسی در ترجمه حدادعادل چشمگیرتر است. مثلاً وی باهم‌آیی «أصحاب اليمين» را در سرتاسر قرآن به صورت «نيك بختان» ترجمه کرده است؛ حال آن‌که خرمشاهی آن را به همان صورت «اصحاب يمين» در ترجمه آورده است و یا عبارت «علم اليقين» را حدادعادل

به صورت «دانستنی یقینی» و عبارت «عین اليقین» را «دیدنی یقینی» و عبارت «حق اليقین» را «حقیقتی یقینی» آورده ولی خرمشاهی همه این‌ها را به همان صورت عربی آورده است. در میان دیگر مترجمان، پرسامدترین ترجمه صفارزاده از عبارت «الیوم الآخر»، «روز قیامت» است. معزی نیز ترجمه لفظ به لفظ «روز آخر» را به کار برده است. هر چند تفاوت بین این ترجمه‌ها چندان فاحش نیست، البته به استثنای مواردی مانند «روز دیگر»، ولی مترجمان هیچ دلیل قانع‌کننده و موجهی برای این کار ندارند و هرچند طبق نظر مفسران، مراد از «الیوم الآخر» در قرآن همان روز قیامت است و این تعبیر نیز به‌نوعی به این روز اشاره دارد ولی به گفته کریمی‌نیا «این ترجمه‌های ناهمسان و چه بسا مخالف افزون بر این‌که تنوعی بی‌دلیل است، سبک یکنواخت بیان را بر هم می‌زنند و ناگاه نشر واحدی را از اوج فخامت به حضیض ابتذال فرو می‌آورد» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۶).

شاهد دیگر، ترجمه‌های مختلفی است که از باهم آیی «أجل مسمى» (بسامد: ۲۱) ارائه شده است. فولادوند از این باهم آیی، ترجمه‌های «اجل حتمی»، «سررسیدی معین»، «زمانی معین»، «وقتی معین»، «مدتی معین»، «وقت معلومی»، «هنگامی معین»، «سرآمدی معین» و «مدتی که مقرر است» را ارائه کرده است. شاید در نگاه نخست، این سوال به ذهن متبارد شود که این عبارت در بافت‌های مختلفی به کار رفته است، پس چگونه می‌توان از آن یک ترجمه یکسان ارائه کرد؟ در پاسخ باید گفت: اولاً این باهم آیی‌ها در قرآن یکسان است و در متن فارسی ترجمه قرآن هم می‌تواند یکسان باشد، ثانياً: علی‌رغم تنوع بسیار در این ترجمه‌ها، برخی از آن‌ها بسیار به هم نزدیک است و مترجم به راحتی می‌تواند آن را یکسان ترجمه کند؛ ولی ظاهراً وی با این پدیده زبانی آشنا نبوده و آن را به عنوان یک واحد ترجمه نشناخته است، ثالثاً: برخی از مترجمان از قبیل معزی، باهم آیی مذکور را در سراسر قرآن به صورت «سرآمدی نامبرده» ترجمه کرده است. ولی بقیه مترجمان، ترجمه‌های مختلفی از این باهم آیی ارائه کرده‌اند.

در مورد ترجمه یکسان معزی از این ترکیب، اشاره به این نکته ضروری می‌نماید که اساساً ترجمه‌های تحت‌اللفظی در معادل‌یابی برای باهم‌آیی‌های قرآنی دقت نظر بیشتری داشته‌اند؛ لذا تنوع در ترجمه یک باهم‌آیی یکسان در اینگونه ترجمه‌ها کمتر به چشم می‌خورد.

معزی در ترجمه خود، عبارت‌های «مثقال ذرة»، «أَفْسِمُوا بِاللهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ»، «الدار الآخرة»، «يَوْمُ الْحِسَابِ»، «يَوْمُ الدِّينِ»، «أَجْلُ مُسْمَى»، «الْيَوْمُ الْآخِرُ»، «الْحَيَاةُ الدُّنْيَا»، «ضلال مبين»، «عَدُوٌّ مُبِينٌ»، «كِتَابٌ مُبِينٌ»، «سُحْرٌ مُبِينٌ»، «نَذِيرٌ مُبِينٌ» را که از بسامد بالایی در قرآن برخوردار است، تقریباً هریک را به صورت یکسان ترجمه کرده و از کمترین افزوده‌های تفسیری برای توضیح آن استفاده نموده است. این هماهنگی در هیچ‌کدام از ترجمه‌های دیگر- به استثنای ترجمه‌های خرمشاهی و حدادعادل که سعی در هماهنگی این برابرنهاده‌ها داشته‌اند- به چشم نمی‌خورد. بدون شک این هماهنگی به سبک ترجمه معزی یعنی ترجمه تحت‌اللفظی بر می‌گردد. به طور کلی ترجمه‌های تحت‌اللفظی در برابریابی، از دقت بیشتری برخوردارند، بر خلاف ترجمه‌های تفسیری که در این میان به افزوده‌های تفسیری تکیه کرده و لذا تنوع ترجمه‌های آن‌ها از یک باهم‌آیی در قرآن به کثرت به چشم می‌خورد. آن‌ها دغدغه محدودیت الفاظ و کلمات را در ترجمه خود احساس نکرده‌اند، تا خود را ملزم به برابرنهاده‌ای کوتاه و رسماً کنند؛ بلکه هرگاه در تنگنا قرار گرفته‌اند، دست به دامن افزوده‌های تفسیری شده‌اند. امانی و همکاران این امر را از نقاط قوت ترجمه‌های تحت‌اللفظی برشمرده و گفته‌اند: «ترجمه‌های تحت‌اللفظی از میان موارد یاد شده، یکسان‌سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کنند که این مسئله می‌تواند از نقاط قوت این ترجمه‌ها به حساب آید» (امانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۸).

بنابراین منظور ما با ذکر همین نمونه‌ها روشن شد و آن این‌که، مترجمان قرآنی باید به پدیده باهم‌آیی به عنوان یک واحد ترجمه نگاه کرده و سعی کنند تا جایی که امکان دارد، از این باهم‌آیی‌های مکرر، ترجمه‌هایی یکسان ارائه کنند؛ زیرا نه تنها این کار باعث رعایت

حفظ اصل و وحدت رویه در ترجمه فارسی قرآن خواهد شد، بلکه به نوعی به انسجام متن نیز کمک می‌کند.

شایان ذکر است که مشکینی در ترجمه این با هم‌آیی، عبارت «مدتی معین» را بسیار به کار برده ولی هر بار با اضافه‌های تفسیری گاهاً طولانی آورده است، مانند «مدتی معین (اجلی که بر هر زنده‌ای به طبع اولی نوشته شده)» یا «وقت معینی (که در علم ازلی او گذشته و در لوح محفوظ ثابت است)» و با این افزوده‌های تفسیری از شیوه‌ایی ترجمه کاسته و مخل روان‌خوانی و خوش‌خوانی ترجمه شده است.

البته باید توجه داشت که در ترجمه‌های معاصر قرآن‌کریم به زبان فارسی، استفاده از تکنیک بسط به میزان قابل توجهی گسترش یافته است و این امر می‌تواند ناشی از رویکرد تفسیرگرایانه مترجمان معاصر شیعه براساس باورهای مذهبی و مبانی شیعی آن‌ها باشد. در ترجمه‌های قدیمی‌تر، اما این رویکرد تفسیرگرایانه بسیار کم‌رنگ است؛ چون ترجمه‌های قدیمی، بیشتر تحت‌اللفظی است.

از طرفی افزوده‌های تفسیری در هر باهم‌آیی با موارد پیشین متفاوت است و در آیه‌های مختلف، افزوده‌های متفاوتی داخل پرانتز قرار گرفته است. برای نمونه ترجمه باهم‌آیی «اصحاب الأیکة» را که در قرآن‌کریم چهار بار تکرار شده، از ترجمه مشکینی انتخاب کردیم. وی در آیه ۷۸ سوره حجر آورده است: «اہالی ایکه (سرزمین درختان انبو در هم پیچیده، مسکن قوم شعیب)»، در آیه ۱۳ سوره ص: «اصحاب ایکه (قوم شعیب صاحبان پیشه)» و در آیه ۱۴ سوره ق: «ساکنان آن سرزمین خرم و پر درخت (قوم شعیب)» و در آیه ۱۷۶ سوره شعراء تنها به عبارت: «مردم ایکه» بسنده کرده است. مترجم در اینگونه موارد می‌تواند در صورتی که اصرار بر ذکر افزوده تفسیری دارد، حداقل افزوده تفسیری یکسانی را برای همه موارد انتخاب کند.

کریمی‌نیا، علت آشفتگی در ترجمه عبارات یکسان به صورت‌های مختلف را ناشی از شتاب مترجمان در ترجمه می‌داند ولی این علت را نمی‌پذیرد و آنان را شایسته بازخواست

می‌داند: «یک علت برای عدم رعایت یکسانی و هماهنگی در ترجمه قرآن، شتاب مترجمان در کار و ناگاهی از مواضع جملات و آیات مشابه است... کسانی که بر آیات مشابه قرآن و انواع هماهنگی‌های آن، احاطه کافی ندارند یا فرصت و توان مراجعه به المعجم المفهرس الفاظ و ادوات و حروف قرآن ندارند و واژه‌ای تکمعنا یا ترکیبات، جمله‌ها و آیات نظیر را به گونه‌های مختلف ترجمه می‌کنند، درکار خود موجه و دور از بازخواست نیستند» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۲۹).

پژوهش حاضر اما به این نتیجه رسیده است که دلیل اصلی ترجمه‌های مختلف از باهم‌آیی‌های یکسان در قرآن کریم، عدم شناخت مترجمان از پدیده باهم‌آیی است. از آنجا که برخی از پژوهشگران مانند توبرت<sup>۱</sup> و چرمکوا<sup>۲</sup>؛ واژه‌ها، باهم‌آیی‌ها و اصطلاح‌ها را واحدهای معنایی در ترجمه در نظر می‌گیرند و آن‌ها را اصطلاحاً «واحدهای ترجمه» می‌نامند (۱۵۱-۱۵۳: ۲۰۰۴)، اگر مترجمان قرآنی نیز به این پدیده زبانی به چشم یک واحد ترجمه نگاه کنند، دیگر با این مشکل مواجه نخواهند شد.

به طور کلی، مترجمان باید در ترجمه ساخت‌ها و باهم‌آیی‌های قرآنی، معادل‌یابی دقیق، از پیش انجام دهنده و براساس آن، سراسر ترجمه، یکسان‌سازی شود.

## ۲-۲- ترجمه واحد از باهم‌آیی‌های مختلف در قرآن

گاهی یک کلمه در قرآن، با هم‌آیندهای مختلفی به کار رفته است لیکن این باهم‌آیی‌ها از نظر دلایی، در بردارنده تفاوت‌هایی است که معمولاً مترجمان با این باهم‌آیی‌های مختلف در ترجمه، برخورد یکسانی داشته‌اند. از جمله این باهم‌آیی‌های قرآنی، ترکیب‌های مختلفی است که بر روز قیامت دارد. مثلاً باهم‌آیی‌های «یوم الازفة»، «یومبعث»، «یوم الجمع»، «یوم الحسرة»، «یوم الدین»، «یوم الفصل»، «یوم القيمة» و «یوم التلاق» را پورجودی به صورت «روز قیامت» ترجمه کرده است. البته این امر به یک مترجم خاص اختصاص ندارد و بسیاری از مترجمان، این ترکیب‌های گوناگون را یکسان ترجمه کرده‌اند.

این ترکیب‌های مختلف که همگی بر روز قیامت دلالت دارد، در عین وحدت مفهومی، معنای خاصی را می‌رساند که شایسته است مترجم این تفاوت دلالی را مدنظر قرار داده و تا حد امکان آن را در ترجمه خود لحاظ کند و بهترین معادل را برای آن در نظر بگیرد؛ زیرا بی‌شک این تعبیرهای مختلف از روز قیامت هدفمند بوده است. طبق گفته فرات: «هر چند ممکن است این اصطلاحات بسیار، از جهت دلالت بر یک ذات واحد با یکدیگر همسان باشند، ولی از نظر صفت‌های مختلف، تکمیل‌کننده یکدیگرند و انبوه این اصطلاحات بر این امر حکایت دارد که امور غیبی‌ای که ادراک آن از طریق حواس پنج‌گانه میسر نیست، نیازمند این توصیفات متعدد است تا آن را به تصور نزدیک کند» (فرات، ۴۷: ۲۰۰۵). بنابراین این ترکیب‌های مختلف قرآنی، بدین منظور است تا تصویری کامل و روشن از این روز بزرگ در ذهن بشر نقش بندد و چنانچه مترجم با این ترکیب‌ها، برخورد یکسانی داشته باشد، این مهم در ترجمه قرآن مفقود خواهد بود.

برخی از مترجمان نیز تلاش کردند هریک از ترکیب‌ها را به‌گونه‌ای ترجمه کنند که معنای خاص آن ترکیب را سنتفاوت با سایر ترکیب‌ها- به زبان فارسی منتقل کنند که در بیشتر موارد دست به دامان افزوده‌های تفسیری شده‌اند و کوشیده‌اند با یک جمله بلند یا چند جمله، معنای خاص یک ترکیب را برسانند. صفوی در ترجمه «یوم الفصل» در آیه ۲۱ صفات آورده است: «روز جدایی که با داوری خداوند حق از باطل و مجرمان از مؤمنان جدا می‌شوند» و در جایی دیگر «روز قیامت که روز جداسازی حق از باطل و تمایز تقواییشگان از مجرمان است» (دخان/ ۴۰) و موارد دیگری از این قبیل که در ترجمه مشکینی و صفوی زیاد است. این افزوده‌های تفسیری، علاوه بر این‌که متن را از روانی و خوش‌خوانی انداخته است، به تفسیر نزدیک‌تر است تا ترجمه. از طرفی نیز، هر کدام از این باهم‌آیی‌های قرآنی بار عاطفی یا معنایی خاص خود را دارند که بدون در نظر گرفتن این امور، حجم بسیاری از دلالت‌های یک ترکیب منتقل نمی‌شود. بنابراین شایسته و بلکه بایسته است که مترجمان قرآنی، این معنای را نیز در نظر گفته و در ترجمه لحاظ کنند و تا

حد ممکن تلاش کنند ظاهر آیه‌های قرآنی را آنگونه که هست، به فارسی برگردانند که البته لازمه امانت در ترجمه نیز همین است؛ چرا که حتی یک عرب‌زبان نیز وقتی باهم‌آیی «یوم الفصل» را می‌بیند، بی‌شک خود او نیز برای این که بداند منظور از این «روز جدایی»، جدایی چه کسانی از یک‌دیگر است، نیاز به تفسیر دارد؛ زیرا این عبارت در متن اصلی قرآن نیز به همین صورت به کار رفته است. بنابراین ترجمه صفوی از «یوم الفصل»: «روز قیامت که روز جداسازی حق از باطل و تمایز تقوایشگان از مجرمان است»، تفسیر است نه ترجمه، حال آن‌که یکی از اهداف ترجمه قرآن کریم، ارائه متنی به فارسی است که در تمام اوصاف، تا حد ممکن، بیشترین شباهت را به اصل متن قرآن داشته باشد.

البته «شایسته است مترجم بین باهم‌آیی‌های عادی و غیرعادی تفاوت بگذارد؛ زیرا برخی از باهم‌آیی‌های غیرعادی در پی ایجاد تأثیری خاص در ذهن مخاطب است. مثلاً باهم‌آیی «دم کذب» در سوره یوسف، یک باهم‌آیی غیرعادی به شمار می‌رود؛ چون اهل زبان معمولاً توقع دارند بعد از کلمه «دم» یکی از باهم‌آیی‌های « أحمر»، «قان»، «سائل» یا «منشق» بیاید. بنابراین باهم‌آیی کلمه «کذب» و «دم»، یک نوع استخدام مجازی است؛ یعنی از کاربرد مألوف آن خارج شده تا دلالت یا بار معنایی خاصی بر ساند (عطاء‌الیاس، الملحق ۳: ۶).

### ۲-۳- ترجمه تحت‌اللفظی باهم‌آیی‌های عربی متداول در فارسی

بسیاری از باهم‌آیی‌های قرآنی به همان صورت و ریخت عربی از دیرزمان وارد زبان فارسی شده و بین فارسی‌زبانان مرسوم و متداول است و ترجمه تحت‌اللفظی آن، نه تنها نمی‌تواند در درک و فهم متن قرآنی به مخاطب فارسی زبان کمک کند، بلکه باعث پیچیدگی و غموض متن فارسی ترجمه قرآن هم شده است. خرمشاهی در مورد ترجمه برخی از واژگان عربی قرآنی به زبان فارسی نیز همین نظر را دارد: «بنده در نقد مفصل خود بر ایشان در مورد این‌گونه عدول‌ها که مثلاً «سدرة المتهی» را به «سدره پایانه» ترجمه کرده بود و صدها مورد دیگر به حق ایراد گرفتم که إلا و لابد و به الزام، مسئولیت اصلی و اولی ترجمه قرآن که

رسایی بیان و رسانایی پیام وحیانی است، باید همان کاربردهای قرآنی را به کار برد» (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۳۱۸).

در ترجمه برخی از باهم آیی های قرآنی، مترجمانی هستند که کوشیده‌اند باهم آیی هایی را که در زبان فارسی، معمول و رایج است و عین آن در فرهنگ مسلمانی و بلکه عرفی ما، جز با همان معنای عربی آن معروفیت و مقبولیت و مفهومیت ندارد، به برابرنهاده های فارسی برگردانند. چنان‌که معزی ترکیب «الشهر الحرام» را به صورت «ماه ارجمند» (بقره / ۱۹۴) ترجمه کرده یا عبارت «مسجد الحرام» را به «مسجد حرام» (بقره / ۲۱۷؛ حج / ۲۵) برگردانده است؛ در حالی که دیگر مترجمان قرآنی مانند مکارم، فولادوند، مشکینی، مجتبوی، صفارزاده، صفوی، حدادعادل، خرمشاهی و پورجوادی آن را به ترتیب به «ماه حرام» و «مسجد الحرام» ترجمه کرده‌اند. از لحاظ واژگانی و هم‌آیندی، ترکیب «ماه ارجمند» و «مسجد حرام» روا نیست؛ زیرا این دو ترکیب به صورت ماه حرام، ماه‌های حرام و ترکیب مسجد الحرام در بین عموم مردم فارسی‌زبان، متداول است و حتی مردم عامه نیز با این ترکیب‌ها آشنا هستند و نیازی به ترجمه یا برگردان آن به زبان فارسی نیست و یا به قول خرمشاهی «بسیار بی‌حکمتی می‌خواهد که کلمات معنی‌دار و زنده را به کلماتی مرده و مهجور که ذوق اهل زبان و ذاته طبیعی آنها را وانهاده تا مهجور شده‌اند، تبدیل کنیم» (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۳۱۹).

نمونه دیگر باهم آیی، «البیت الحرام» در آیه دوم سوره مائدہ است که معزی آن را به صورت «خانه حرام» ترجمه کرده است، در صورتی که باهم آیی عربی آن یعنی ترکیب «البیت الحرام» در فارسی معروف و متداول است و بسیاری از مترجمان آن را به صورت «بیت الحرام» ترجمه کرده‌اند. از طرفی دیگر، این یک اسم خاص است که اساساً نیاز به ترجمه ندارد.

باهم آیی «حق اليقين» مورد دیگری است که مترجمان با آن برخوردهای متفاوتی داشته‌اند، حال آن‌که خود این اصطلاح، بین مردم متداول است و برخی از مترجمان نیز آن را به صورت «حق اليقين» ترجمه کرده‌اند بهطوری که خرمشاهی در هر دو مورد تکرار آن

در قرآن و حدادعادل در آیه ۵۱ سوره حاقة آن را به همان شکل عربی ترجمه کرده‌اند. فولادوند آن را به صورت «حقیقتی یقینی» و «حقیقتی راست [و] یقین»؛ مکارم به صورت «یقین خالص» و «حق و یقین»؛ معزی آن را به صورت «حق یقین»؛ مشکینی به صورت «حق و حقیقت یقینی» و «حقیقی یقینی و غیرقابل شک»؛ مجتبوی به صورت «حق اليقین» و «بی‌گمان و درست»؛ پورجودی به صورت «حق و یقین» و «حقیقت یقین»؛ حدادعادل به صورت «حق اليقین» و «حقیقتی یقینی» و صفوی به صورت «راست و درست که هیچ شک و تردیدی در آن نیست» ترجمه کرده‌اند. حال آن‌که این اصطلاح در بین متصوفه بسیار رایج است و از آن م جدا به فارسی معیار رسوخ کرده است. متصوفه، یقین را دارای سه مرحله می‌دانند که عبارت است از: علم اليقین، عین اليقین و حق اليقین، بنابراین، این اصطلاحی مشهور در بین آن‌ها به شمار می‌رود و عامه مردم نیز با این اصطلاح آشنا هستند. دو اصطلاح «علم اليقین» و «عین اليقین» هر کدام تنها یک بار در قرآن‌کریم آمده است. این اصطلاحات نیز، از اصطلاحات معروف بین فارسی‌زبانان است و ترجمه تحت‌اللفظی آن، بار معنایی آن را نمی‌تواند به دوش بکشد. به عنوان مثال، «علم اليقین» را «دانستن یقین» (معزی)، «دانستن بی‌گمان» (مجتبوی)، «یقین کامل» (صفارزاده)، «دانستن یقینی» (حدادعادل) ترجمه کرده‌اند؛ در حالی که اصل اصطلاح، در فارسی نیز از باهم‌آیی‌های معروف به شمار می‌رود و آقایان فولادوند، مکارم، مشکینی و خرمشاهی، آن را به همان شکل عربی در متن فارسی آورده‌اند. ترجمه «عین اليقین» به «دیده یقین» (مجتبوی)، «یقین عینی و ملموس» (صفارزاده)، «دیدنی یقینی» (حدادعادل)، «مشاهده یقین» (صفوی) و «چشم یقین» (پورجودی)، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است که نمی‌تواند بار معنایی «عین اليقین» را منتقل کند زیرا وقتی مخاطب عبارت «عین اليقین» را می‌بیند با توجه به تجربه زبانی خود درمی‌یابد که این یکی از مرتبه‌های سه‌گانه یقین یعنی: علم اليقین، عین اليقین و حق اليقین است و عین اليقین مرحله میانی است؛ ولی مطمئناً ترکیب‌های «مشاهده یقین»، «چشم یقین»، «دیده یقین» این مراتب سه‌گانه یقین را یادآوری نمی‌کند.

در برخی از موارد نیز، مترجمان سعی کردند یک ترکیب را به صورت گرتنهبرداری یا ترجمه بخشی از ترکیب عربی و استفاده از بخش دیگر عربی آن، معادلی مناسب برای یک باهم‌آیی قرآنی بیاورند؛ ولی به نظر می‌رسد در این روش چندان موفق نبوده‌اند و ترکیباتی بی‌معنی یا مشکل وارد ترجمه خود کردند. به عنوان مثال، خرمشاهی ترکیب «یوم التباد» را به صورت «روز فریادخوانی» (غافر/۳۲) و ترکیب «یوم التلاق» را «روز همدیداری» (غافر/۱۵) ترجمه کرده است. ترجمه «روز فتح» از «یوم الفتح» (سجده/۲۹) در ترجمه صفوی و «روز فصل» در ترکیب «یوم الفصل» (مرسلات/۱۴) و ترجمه «روز شمار» از «یوم الحساب» (ص/۵۳) نیز از همین موارد است.

از طرفی، برخی از مترجمان معاصر قرآن، برابرنهاده‌هایی وضع می‌کنند که ابهام آن از اصل عربی آن کمتر نیست. این ترجمه‌ها نیز مشکلاتی را برای مخاطبان بهبار آورده و متن فارسی قرآن‌کریم را تبدیل به متنی ناآشنا و نامأнос کرده است. برای نمونه می‌توان به باهم‌آیی «أم القرى» اشاره کرد. معزی این ترکیب را به صورت: «مادر شهرها» (أنعام/۹۲؛ شوری/۷) ترجمه کرده است. بدون شک اگر ابهام این ترکیب از اصل عربی آن بیشتر نباشد، کمتر نیست. از طرفی دیگر «أم القرى» همیشه بر مکه اطلاق شده و به صورت اسم علم درآمده است و دیگر قابل ترجمه نیست.

به عنوان نمونه‌ای دیگر می‌توان به باهم‌آیی «الدار الآخرة» اشاره کرد. در قرآن‌کریم لفظ «دار» هیچ‌گاه با کلمه «الدنيا» همنشین نشده است و این دلالت خاص خود را دارد و آن این‌که واژه «دار» بر استقرار و دوام دلالت دارد و این آخرت است که سرای دوام و استقرار و بلکه جاودانگی است. قرآن به این امر اشاره‌ای واضح دارد: ﴿إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَّعٌ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَار﴾ (غافر/۳۹). محدودیت گزینشی در گزینش واژگان از جنبه‌های بارز این متن مقدس است که مترجمان قادر به ترجمه آن نیستند.

همه هم‌آیندهای قرآنی «الدار»، به زندگی اخروی اشاره دارند، باهم‌آیی‌هایی مثل: «دار البار، دار الخلد، دار السلام، دار القرار، دار المقامة، دار المتقين و ...». در این میان، تنها مورد

اختلافی بین مفسران باهم‌آیی «دار الفاسقین» است. مفسران در مورد این که مراد از «دار الفاسقین» در آیه **﴿سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ﴾** (أعراف / ١٤٥) چیست، اختلاف نظر دارند. ولی قرطبي بر این باور است که مراد از آن «آتش جهنم» است و از حسن و قتاده نیز نقل قول می‌کند (قرطبي، ١٣٦٤، ج ٧، ٢٨٢). مترجمان فارسي نیز به گونه‌ای به این امر اشاره کرده‌اند. مشکيني آورده است: «سرای فاسقان (ویرانه‌های مساکن عاد و ثمود و فرعونیان را در دنیا و جایگاه‌های ابدی جهنمشان را در آخرت)» و مترجمان دیگر نیز به «جايگاه فاسقان» اشاره کرده‌اند که مرادشان جهنم است.

باهم‌آیی **﴿مَلَةُ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾** که ۵ بار در قرآن کریم تکرار شده است، از مواردی است که در ترجمه آن اختلافات فراوانی دیده می‌شود. نخست این که «حنیفاً»، حال برای کدامیک از دو اسم پیش از خود است؟ خرمشاهی در ترجمه‌اش هر دو صورت را لحاظ کرده و آن را به صورت‌های: «آیین ابراهیم که پاک دین بود» (آل عمران / ٩٥)، «آیین پاک ابراهیم» (نساء / ١٢٥ و انعام / ١٦١)، «آیین ابراهیم پاک دین» (بقره / ١٣٥) و «آیین ابراهیم» (نحل / ١٢٣) ترجمه کرده است. یعنی در دو ترجمه از ترجمه‌های مذکور، «حنیفاً»، حال برای ابراهیم و در دو ترجمه حال برای «ملة» است و در آخرين مورد هم، واژه «حنیفاً» ترجمه نشده است. مکارم نیز در آیه ۱۶۱ سوره انعام و ۱۲۳ سوره نحل، «حنیفاً» را حال برای ابراهیم در نظر گرفته: «آیین ابراهیم که از آیین‌های خرافی روی برگرداند» و «آیین ابراهیم-که ایمانی خالص داشت» و در سه مورد دیگر، آن را حال برای «ملة» به شمار آورده است. بقیه مترجمان: فولادوند، معزی، مشکینی، مجتبوی، صفارزاده، حدادعادل و صفوي، «حنیفاً» را حال برای «ابراهیم» ترجمه کرده‌اند. در اینجا لزوم یکسانی در ترجمه هم‌آیندهای قرآنی، روشن می‌شود. از طرفی، معزی در یک مورد از باهم‌آیی: «ملت ابراهیم یکتاپرست» استفاده کرده است که این ترجمه جای تأمل دارد؛ چرا که در زبان فارسي، ملت به معنی «دین» رایج نیست و این برای مخاطبی که با زبان عربی آشنایی کافی ندارد، مبهم خواهد بود.

## ۴-۲- سبک ترجمه و نقش آن در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی

ترجمه‌های خرمشاھی، حدادعادل و معزی در ترجمه یکسان از باهم‌آیی‌های یکسان، بهترین عملکرد را در بین دیگر ترجمه‌های بررسی شده در این پژوهش داشتند. خرمشاھی و حدادعادل به مسأله یکسانی و هماهنگی در ترجمه ترکیبات قرآنی، واقف بوده، لذا سعی در رعایت یکسانی در ترجمه باهم‌آیی‌های یکسان قرآن داشته‌اند. ترجمه حدادعادل، شباهت زیادی در رعایت همسانی در ترجمه‌ها با ترجمه خرمشاھی دارد. اما دلیل یکسانی ترجمه‌ها در ترجمه معزی، به سبک ترجمه وی برمنی گردد. ظاهراً چون مترجم خود را مقید به یافتن برابرنهاده برای باهم‌آیی‌های قرآنی کرده و کمتر دست به دامان افزوده‌های تفسیری شده است، هر معادل را یک بار وضع کرده و در سرتاسر ترجمه خود، آگاهانه به کار برده است. ولی در دیگر ترجمه‌های بررسی شده، این هماهنگی و یکسانی به چشم نمی‌خورد. در ترجمه صفارزاده به دلیل سبک آزاد آن، مترجم دست خود را در یافتن معادل در جای قرآن باز دیده لذا هر باهم‌آیی قرآنی را به برابرنهاده‌های مختلف ترجمه کرده است.

مشکینی و صفوی نیز به دلیل سبک تفسیری ترجمه‌هایشان، برای توضیح هر باهم‌آیی، دست به دامان افزوده‌های تفسیری زده‌اند که این افزوده‌ها علی‌رغم روشن‌گری متن ترجمه، دیدگاه تفسیری مترجم را بیان می‌کند و احتمالات دیگر را از مخاطب ترجمه در هر باهم‌آیی دریغ می‌دارد و از طرفی مخل روان‌خوانی و سلیس‌بودن متن شده است. در این میان، ترجمه فولادوند و ترجمه مکارم شیرازی، حالتی بینایین دارد؛ یعنی در برخی از موارد، یکسانی و هماهنگی را در ترجمه عبارت‌ها و باهم‌آیی‌های یکسان قرآنی، رعایت کرده و در برخی از موارد، تعاییر و برابرنهاده‌هایی مختلف برای یک باهم‌آیی قرآنی آورده است.

## ۳- نتیجه گیری

۱- بررسی باهم‌آیی‌ها نشان می‌دهد در ترجمه این ساخت‌ها، نباید تنها به معنای واژگانی کلمات در ترجمه بستنده کرد بلکه باید کلمات هم‌آیند یک واژه را نیز در نظر داشت.

۲- ترجمه‌های خرمشاھی، حدادعادل و معزی در ترجمه یکسان از باهم‌آیی‌های یکسان، بهترین عملکرد را در بین دیگر ترجمه‌های بررسی شده در این پژوهش داشتند. هر چند خرمشاھی و حدادعادل با رویکرد یکسان‌سازی در ترجمه عبارات یکسان قرآنی، مبادرت به این امر کردند، ولی به نظر می‌رسد در ترجمه معزی، یکسان‌سازی این ترجمه‌ها، به روش ترجمه وی بستگی دارد.

۳- در مورد ترجمه‌های یکسان از باهم‌آیی‌های مختلف در قرآن، ترجمه‌های معزی، خرمشاھی و حدادعادل، سعی کردند برای هر باهم‌آیی در قرآن کریم، یک ترجمه مخصوص اختصاص دهند، بر عکس، ترجمه صفارزاده، بسیاری از باهم‌آیی‌های قرآنی را که یک دلالت مفهومی دارند، به صورت یکسان ترجمه کرده است. دیگر ترجمه‌ها نیز به این موضوع واقف نبوده و حالتی بینایین دارند.

۴- مترجمان فارسی قرآن کریم، به باهم‌آیی، به عنوان یک واحد ترجمه نگاه نکردند و در بسیاری از موارد، واحد ترجمه‌شان یا کوچک‌تر یعنی کلمه و یا بزرگ‌تر یعنی عبارات اصطلاحی و جملات بوده است.

برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود نخست، تمام باهم‌آیی‌های قرآنی با بسامد تکرار آن، استخراج و برای هریک از آن‌ها یک معادل مناسب و برابر -تا حد امکان- وضع شود و مترجم با در نظر گرفتن این موارد، هرگاه به یک باهم‌آیی مکرر در قرآن رسید، به جدول مذکور مراجعه کرده و معادلی را که در آیه‌ها و سوره‌های پیشین برای آن به کار برده است، از جدول انتخاب کند. از طرف دیگر، با استناد به این جدول، می‌توان از ترجمه یکسان هم‌آیندهای مختلف نیز پیشگیری کرد.

هم‌چنین پیشنهاد می‌شود پس از استخراج تمام باهم‌آیی‌های قرآنی، تمام برابرنهاده‌های آن از ترجمه‌های قرآن استخراج شده و با هم مقایسه و بهترین آن توسط تیم ترجمه یا شخص مترجم انتخاب شود. در این میان توجه به ترجمه‌های قدیمی و تحت‌الفظی که سعی در وضع معادلهایی فارسی برای باهم‌آیی‌های قرآنی داشته‌اند، ضروری است.

#### ۴- پی نوشت

- 1) collocation      2) J.R. Firth      3) Robert Frank ,Palmer  
4) W. Teubert      5) A. Cermakova

#### ۵- منابع

##### \* قرآن کریم

- ۱- آذرنوش، آذرتابش: تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، جلد ۱، ترجمه‌های قرآنی، تهران، انتشارات سروش، (۱۳۷۵ش).
- ۲- پالمر، فرانک: نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه: کورش صفوی، تهران، نشر مرکز، (۱۹۷۱). [۱۳۷۴].
- ۳- پورجوادی، کاظم: ترجمه قرآن، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، چاپ اول، (۱۴۱۴ق).
- ۴- جواهری، سیدمحمدحسن: درسنامه ترجمه؛ اصول، مبانی و فرآیند ترجمه قرآن کریم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، (۱۳۸۹).
- ۵- حدادعادل، غلامعلی: ترجمه قرآن، مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی، چاپ اول، (۱۳۹۲ش).
- ۶- خرمشاهی، بهاءالدین: ترجمه قرآن، تهران: دوستان، چاپ ششم، (۱۳۷۸).
- ۷- ———: قرآن پژوهی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، (۱۳۸۹ش).
- ۸- صفارزاده، طاهره: ترجمه قرآن، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم، (۱۳۸۰ش).
- ۹- صفوی، سیدمحمد رضا: ترجمه قرآن، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول، (۱۳۸۸ش).
- ۱۰- عبدالفتاح الحسینی، حمادة محمد: المصاحبة اللغوية وأثرها في تحديد الدلالات في القرآن الكريم دراسة نظرية تطبيقية، رسالة دكتوراة، جامعة الأزهر، كلية الدراسات الإسلامية والعربية، (۲۰۰۷ش).
- ۱۱- فرات، أحمد حسن: أثر المصطلح القرآني في التداخل والتكامل المصطلحي في العلوم الشرعية، دار البحوث للدراسات الإسلامية وإحياء التراث، دبی، العدد العشرون، (۲۰۰۵م).
- ۱۲- فولادوند، محمدمهدی: ترجمه قرآن، تهران: دار القرآن الكريم ( دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ اول، (۱۴۱۵ق).

۱۳- قرطبي، محمد بن احمد: *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، (۱۳۶۴ش).

۱۴- قريشى، سيد محمد حسين و بقابى، هادى و علیزاده، علی: «میزان هماهنگی در تکرار برخی از واژگان و ترکیبات هم‌آیند قرآن و ترجمه آن‌ها»، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار (۱۳۹۴ش).

۱۵- قلى زاده، حيدر: مشکلات ساختاری ترجمه از عربی به فارسی (در مجلدوده قرآن کریم، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸ش).

۱۶- كريمي‌نيا، مرتضي: «يکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»، ساخت‌های زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات هرمس، (۱۳۸۹ش).

۱۷- کفash‌رودی، پروین و اکبری، اميد و قنسولی، بهزاد: «خطاهای همایندها در ترجمه قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، بهار (۱۳۹۴ش).

۱۸- مجتبوي، سيد جلال الدین: ترجمه قرآن، ويراستار: حسين استادولی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، (۱۳۷۱ش).

۱۹- مشكيني، علی: ترجمه قرآن، قم: الهادی، چاپ دوم، (۱۳۸۱ش).

۲۰- معزى، محمد‌کاظم: ترجمه قرآن، قم: انتشارات اسوه، چاپ اول، (۱۳۷۲ش).

۲۱- مکارم شیرازی، ناصر: ترجمه قرآن، قم: دار القرآن الكريم ( دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم، (۱۳۷۳ش).

۲۲- ناصری، مهدی و همکاران، «ترجمه‌های تحت‌الفظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی؛ برتری‌ها و کاستی‌ها»، دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، (۱۳۹۳ش).

23- Lyons, John: *Linguistic Semantics, an Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press, (1996).

24- Sung, j. *English Lexical Collocations and Their Relation to Spoken Fluency of Adult Non-native Speakers*. Unpublished doctoral dissertation. Indiana University of Pennsylvania, Pennsylvania, (2003).

25- Teubert. W, Cermakova. A. *Direction in Corpus Linguistics*, in M. A. K. Holliday et al. London and New York Continuum.

26- Versteegh, Kees: *encyclopedia of Arabic language and linguistics*, brill. Leiden - Boston, (2006).